مواد مخدر

کشف ۶۰۰ کیلو مواد افیونی در سیستان و بلوچستان

فرمانده انتظامی سیستان و بلوچستان از کشف بیش از ۶۰۰ کیلوگرم مواد افیونی خبر داد. سردار دوستعلی جلیلیان گفت: قاچاقچیان با یک دستگاه پژو۴۰۵ و یک دستگاه موتورسیکلت در حال انتقال مواد افیونی بودند که به محض مشاهده مأموران با رها کردن خودرو و موتورسیکلت گریختند و ۶۰۰ کیلوگرم انوع تریاک کشف شد.

خبر خوب

نجات کودک ۸ ساله از آتش توسط پلیس

با تلاش مأمور سرکلانتر هفتم پلیس پیشگیری تهران، پسربچه ۸ ساله که داخل یک واحد مسکونی گرفتار حریق شده بود، نجات پیدا کرد. به‌دنبال وقوع آتش‌سوزی در خانه‌ای در محدوده بهارستان مأموران راهی آنجا شدند و یکی از آنها به نام احسان پویانفر متوجه حضور کودکی ۸ ساله در خانه شد و توانست این کودک را نجات دهد.

خالکوبی عقرب راز دزدان میلیاردی را فاش کرد

وصیت‌نامه‌ای که نقشه گنج بود

گزارش

الهه فراهانی
روزنامه‌نگار

سرنخی شد برای شناسایی دزدان سابقه‌دار که در همسایگی مرد سالخورده(مال باخته) زندگی می کردند. دزدان که ۳نفر بودند شناسایی شـدند. آنها چند روز قبل در عملیات غافلگیرانه دستگیر شدند و اگرچه اصرار بر بیگناهی داشتند اما وقتی پلیس تصویر خالکوبی را مقابلشان قرار داد، چاره‌ای جز اقرار به سرقت از خانه مرد سالخورده و پسرش ندیدند. با اعتراف آنها، برایشـان قرار قانونی صادر شد و تحقیقات تکمیلی از اعضای این باند ادامه دارد.

۳بچه‌محل در جریان سرقت از خانه پیرمرد آشنا به وصیت‌نامه‌ای رسـیدند که برایشـان مثل نقشـه گنج بود. آنها با استفاده از این وصیت‌نامه، دسـت به سـرقت عتیقه‌های باارزش زدند اما طرح عقرب کـه روی دستشـان خالکوبی کـرده بودند باعث دستگیری‌شان شد.

نقشه اول؛ سرقت از خانه پیرمرد

به گزارش همشهری، چند روز قبل پیرمردی قدم در اداره پلیس گذاشت و گفت سارقان به خانه‌اش دستبرد زده‌اند. وی توضیح داد: من و همسرم به ویلایمان در شمال کشور رفته بودیم که پس از گذشت یک‌ماه وقتی به خانه برگشتیم متوجه شدیم سارقان به خانه ما دستبرد زده‌اند. همه‌جا به‌هم‌ریخته بود و دزدان تمام طلا و جواهرات همسرم که داخل یک صندوقچه بود را به سرقت برده بودند. من پس از بازبینی تصاویر دوربین‌های مداربسته که مقابل خانه‌ام نصب شده بود، دیدم که سارقان کلاه به سر و ماسک به‌صورت داشتند و چهره‌شان اصلا قابل شناسایی نبود.

نقشه دوم؛ سرقت از خانه پسر

با ثبت این شکایت، پرونده‌ای تشکیل شد و مأموران جست‌وجو برای شناسایی دزدان را آغاز کردند. آنطور که مال باخته می گفت چهره سـارقان واضح نبود و این کار پلیس را برای شناسایی آنها دشوارتر می‌کرد. با وجود این تحقیقات به‌صورت ویژه ادامه داشت تا اینکه چند روز بعد گزارش دومین سرقت به پلیس گزارش شد. دزدان تحت تعقیب این بار به خانه پسر مال باخته دستبرد زده بودند. از آنجا که فاصله این دو سرقت کوتاه بود و پسر مال باخته در یک محله دیگر زندگی می‌کرد، فرضیه سرقت از سوی دزدان آشنا قوت یافت. بنابراین کارآگاهان تحقیقات خود را روی آشنایان این خانواده آغاز کردند تا اینکه سرنخ مهم و اصلی به‌دست آمد؛ خالکوبی خاص متهمان. زمانی که دزدان در سرقت دوم در حال بالا رفتن از دیوار بودند دوربین مداربسته تصویر آنها را ثبت کرده بود و هرچند نقاب به چهره داشتند اما طرح خالکوبی عقرب که روی دستشان وجود داشت، قابل مشاهده بود. همین خالکوبی،

گفت و گو

سرقت عتیقه‌ها

محسن، سردسـته باند و طراح نقشه سرقت‌هاست. خودش می گوید که همیشه تصور می‌کرده خوش‌شانس است اما این‌بار حسابی بدشانسی آورده. گفت‌وگو با او را می‌خوانید.

چه شد که نقشه سرقت از خانه همسایه‌تان را طراحی کردید؟

مال باخته اول مرد سـالخورده‌ای بود که در محله ما زندگی می‌کرد. آنها از قدیمی‌های محله هستند که یک خانه ویلایی دارند. ما می‌دانستیم که او پولدار است و همه فرزندانش به جز پسر کوچکش در خارج از کشور زندگی می‌کنند. پسر کوچکش همیشه با ماشین مدل بالا به خانه پدرش می‌آمد و برای همین تصمیم به سرقت از خانه او گرفتیم. وقتی فهمیدیم آنها به سفر رفته‌اند نقشه سرقت را عملی کردیم.

چرا بعد از آن سراغ خانه پسرش رفتید؟

ماجرایش جالب است. از این لحاظ جالب که ما فکر می‌کردیم خیلی خوش شانسیم اما تصورمان اشتباه از آب درآمد. شبی که وارد خانه پیرمرد پولدار شدیم، پس از ساعت‌ها جست‌وجو به یک صندوقچه رسـیدیم. هرچه داخلش بود را برداشتیم. بیشتر طلا و جواهرات زنانه بود به همراه چند سکه و مقداری یورو. با وجود اینکه به چیزهای ارزشـمندی رسیده بودیم اما من حسابی صندوقچه را گشتم تا اینکه یک برگه پیدا کردم؛ وصیت‌نامه پیرمرد بود اما برای ما شبیه به نقشه گنج بود. چون داخل آن مو به مو اموال و دارایی‌اش را شرح داده بود. در لابه‌لای نوشته‌ها به خطی رسیدم که نوشته شده بود تمام کتب و اشیای عتیقه در زیرزمین خانه «سروش» است، پسر کوچک پیرمرد که می‌دانستیم در کدام محله زندگی می‌کند. او در وصیت‌نامه نوشـته بود که پس از مرگش باید تمام عتیقه‌ها به مساوات میـان بچه‌هـا تقسیم شود. دیگر چه از این بهتر! با پیدا کردن این وصیت‌نامه، نقشه سرقت دوم را کشیدیم. به محله آنها رفتیم و با پرس و جو نشانی خانه‌اش را به‌دست آوردیم. بعد منتظر ماندیم تا شبی که او و خانواده‌اش در خانه نبودند، وارد آنجا شویم. مانند سرقت قبلی، صورتمان را پوشاندیم، ماسک زدیم، کلاه به سر گذاشتیم و وارد خانه پسر شدیم و مستقیم رفتیم سراغ عتیقه‌ها.

ارزش عتیقه‌ها چقدر بود؟

نمی‌دانیم چون فرصت نکردیم آنها را بفروشیم. اما قطعا ارزش میلیاردی داشت. چون تعداد زیادی کتاب خطی و قدیمی بود که ما داخل یک صندوقچه جوبـی در زیرزمین پیدا کردیم. البته داخل آن چند سکه قدیمی هم وجود داشت.

ماجرای طرح عقرب چه بود که روی دستتان خالکوبی کردید؟

ما ۳نفر سال‌هاسـت با هم رفاقت داریم. دوست داشتیم یک نشانه خاص و مشترک داشته باشیم. اما همین خالکوبی باعث دستگیری‌مان شد. راستش ما فقط جوگیر شدیم. شیشه مصرف کرده بودیم و همین باعث شد که نقشه سرقت بکشیم.

اولیای دم پرونده با بخشش قاتل به او زندگی دوباره‌ای بخشیدند

بخشش به عشق امام حسین(ع)

داخلی

مرد جوانی که ۳سال قبل به‌دنبال اختلافاتی که با دایی‌اش داشت او و دخترش را با شلیک گلوله به قتل رسانده و به قصاص محکوم شـده بود به عشق امام حسین(ع) از سوی اولیای دم بخشیده شد.

به گزارش همشهری، این جنایت اواسط مردادماه سال ۹۹ در یکی از محله‌های بندرعباس اتفاق افتاد. آن روز شلیک پی‌در‌پی چند گلوله از یکی از خانه‌ها شنیده شد و لحظاتی بعد مرد جوانی سراسیمه از آنجا خارج شد. وقتی همسایه‌ها خود را به داخل خانه رساندند معلوم شد که صاحبخانه که مردی میانسال بود همراه با دختر جوانش بر اثر اصابت گلوله به قتل رسیده بودند. در این شرایط ماجرا به پلیس گزارش شد.

در بررسی‌های اولیه معلوم شـد که قاتل خواهرزاده صاحبخانه است که از مدت‌ها قبل با دایی‌اش دچار اختلاف و کشـمکش شده بود. اما او به مکان نامعلومی گریخته بـود و هیچ‌کس، حتی خانواده‌اش نیز از وی اطلاعی نداشتند. با وجود این تلاش‌ها برای دستگیری تنها متهم پرونده آغاز شد و در شرایطی که چند روز از قتل پدر و دختر می‌گذشت کارآگاهان جنایی موفق شدند متهم را که در حاشیه شهر مخفی شده بود دستگیر کنند. در جریان دستگیری متهم اسلحه‌ای که او در قتل دایی و دخترِدایی‌اش از آن استفاده کرده بود نیز کشف شد.

متهم با اعتراف به جنایت گفت: مدت‌ها بود که با دایی‌ام دچار اختلاف مالی شده بودم و او پولی را که از او طلب داشتم نمی‌داد. چند مرتبه با او صحبت کردم و حتی واسطه فرستادم تا این مشکل برطرف شود اما او به هیچ صراطی مستقیم نبود. چند مرتبه بر سر طلبم با دایی‌ام دعوایم شد تا اینکه آن حادثه رخ داد. او درباره روز حادثه گفت: آن روز تصمیم گرفتم که به هر قیمتی که شـده این مشکل را برطرف کنم. به همین دلیل به خانه دایی‌ام رفتم. ابتدا با آرامش و خونسردی درباره بدهی‌اش صحبت کردم و تلاشـم این بود که با آرامش او را راضی کنم تا پولم را بدهد اما فایده‌ای نداشت و او حرف‌هایی زد که من را عصبانی کرد. در این شرایط بود که من هم از کوره در رفتم و ناگهان اسلحه‌ای که همراهم بود به طرفش گرفتم و شلیک کردم. بعد از شلیک نخستین گلوله دختر دایی‌ام جلو آمد و ناخواسته او را هم هدف گرفتم و وقتی به‌خودم آمدم جسـد آنها جلویم افتاده بود که از ترس از آنجا فرار کردم. متهم در ادامه گفت: جایی برای مخفی شدن نداشتم و نمی‌دانستم باید چه کار کنم. خودم را به حوالی شهر رساندم و در آلونکی که آنجا بود چند روز به سختی زندگی کردم تا اینکه دستگیر شدم.

حکم قصاص

با وجود نسبت خویشاوندی متهم و مقتولان اولیای دم از او شکایت داشتند و خواستار قصاص بودند. در این شرایط متهم در دادگاه کیفری یک استان هرمزگان محاکمه شـد. او در جلسـه دادگاه بار دیگر به تکرار ادعاهای قبلی‌اش پرداخت و گفت ناخواسته مرتکب قتل شده و پشیمان است. متهم گفت: من فقط طلبم را می‌خواستم و نقشه‌ای برای قتل دایی و دخترِدایی‌ام نداشـتم. اگر او پولم را می‌داد هیچ وقت کار به اینجا کشیده نمی‌شد. من انگیزه‌ای برای کشتن آنها نداشتم و حالا هم پشیمانم و از اولیای دم می‌خواهم که من را ببخشند. با وجود دفاعیات متهم، قضات دادگاه او را گناهکار تشخیص داده و به قصاص محکوم کردند. این رأی مدتی بعد در دیوان عالی کشور نیز مهر تأیید خورد و آماده اجرا شد.

مکث

بخشش در آخرین روزهای محرم

۳سـال از وقوع ایـن جنایت گذشـته و پرونده برای انجام مراحل استیذان و اجرای حکم به تهران فرستاده شده بود. با برگشتن پرونده شمارش معکوس برای اجرای حکم آغاز می‌شـد و در این شرایط مسئولان واحد صلح و سازش و شورای حل اختلاف زندان بندرعباس تلاش‌های‌شان برای ایجاد صلح و سـازش در پرونده را آغاز کردند. با وجود نسـبت نزدیکی که طرفین پرونده داشتند اما اولیای دم حاضر نبودند قاتل را ببخشند. در این شرایط رایزنی‌ها ادامـه پیدا کرد تا اینکه در نهایت اولیای دم با پیگیری‌های انجام شده رضایت خود را اعلام کردند و گفتند بدون هیچ چشمداشتی و فقط به عشـق امام حسین(ع) حاضرند قاتل را ببخشند.

قاضی الهام پوردهقان فراشاه، معاون دادستان و مسئول واحد اجرای احکام دادگستری بندرعباس در این‌باره گفت: اولیای دم بـرای اجرای حکم مصمم بودند و اعلام کرده بودند که حاضر به بخشش نیسـتند. با وجود این تلاش و پیگیری همکارانم به خصوص آقای کاظم شاهرخ‌نیا، یکی از اعضای شورای حل اختلاف زندان بندرعباس در آخرین روزهای‌ماه محرم نتیجه داد و اولیای دم سرانجام حاضر به بخشش شدند تا مرد جوان از چوبه دار نجات پیدا کند. او ادامه داد: با وجود اعلام رضایـت اولیای دم، پرونده برای بررسـی جنبه عمومی جرم به دادگاه کیفری یک اسـتان هرمزگان فرستاده شد و قرار اسـت متهم بار دیگر محاکمه شود.

«دیوار مرگ» آتش گرفت

بی‌احتیاطی موتورسواری که در برنامه ای مهیج بر دیوار مرگ مشغول اجرای نمایش بود، موجب سقوط او و موتورسیکلتش شـد و آتش‌سوزی وحشتناکی را رقم زد.

به گـزارش همشـهری، این حادثه شـامگاه پنجشـنبه در پارک کوهسـار جهرم واقع در اسـتان فارس اتفاق افتاد. آن شب خانواده‌های زیادی برای تماشای نمایش هیجان‌انگیز دیوار مرگ در قسـمت بالایی دیوار ایستاده بودند. ۲ موتورسوار جوان نمایش‌شان را آغاز کردند. آنها با موتورسیکلت از دیواره چوبی بالا می‌آمدند و حرکات هیجان‌انگیزی انجام می‌دادند. اما ناگهان یکی از آنها به دلایل نامعلومی از دیوار سـقوط کرد و موتورسیکلتش آتش گرفت. این سقوط و آتش‌سوزی باعث آتش گرفتن دیواره چوبی شد و تماشاچیان وحشت‌زده تلاش کردند که محل را ترک کنند. به‌دنبال وقوع این حادثه تیم‌هایی از آتش‌نشانی و اورژانس خود را به محل حادثه رسـاندند. عملیات اطفای حریق و امدادرسانی به حادثه‌دیدگان آغاز شد. وسعت آتش به حدی بود که تقریبا همه دیواره چوبی در آتش سوخت و چند نفر نیز مصدوم شدند.

محمدجواد موحد، مدیر روابط‌عمومی دانشگاه علوم پزشـکی جهرم در این‌بـاره گفت: در این حادثه تیم‌های اعزامی اورژانـس، ۷ مصدوم را به بیمارسـتان منتقل کردند. یکی از آنها راکب موتورسیکلت است که به‌دلیل سوختگی و وارد شدن ضربه به سـر درآی سی یو به سر می‌برد و یکی از مصدومان نیز با جراحت ناشی از سوختگی حدود ۳۰ درصد در بیمارسـتان پیمانه جهرم بستری است. او ادامه داد: شمار دیگری از افراد حاضر در محل نیز دچار جراحت‌های سـطحی شـده بودند که با مراجعه به اورژانس، به‌صورت سرپایی مداوا شدند. از سوی دیگر شهردار جهرم علت وقوع این حادثه را بی‌احتیاطی موتورسوار اعلام کرد.

خارجی

ده‌ها نوجوان انگلیسی از طریق یک قرار در شبکه تیک‌تاک جانشان را به خطر انداختند

چالش ترسناک

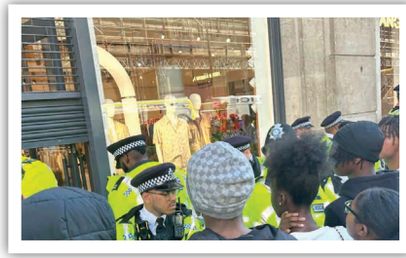

چند نوجوان انگلیسی با شرکت‌کردن در یک چالش در اپلیکیشن تیک‌تاک، جان خود را به خطر انداختند و راهی بیمارستان شدند. آنها می‌خواستند ببینند با مصرف قرص‌هایی خطرناک چه‌کسی می‌تواند طولانی‌ترین مدت را در بیمارسـتان بماند. به گزارش همشهری به نقل از میرر، چالش مصرف این قرص در آخر هفته گذشته در ساوتهمپتون باعث شد تعداد زیادی از نوجوانان راهی بیمارستان شوند. با مسمومیت یکسـان تعداد زیادی نوجوان به وسیله این قرص، پلیس سـاوتهمپتون در جریان ماجرا قرار گرفت و تحقیقات آغاز شد. رئیس پلیس جنایی ساوتهمپتون گفت: تعداد زیادی از نوجوانان ساوتهمپتون در آخر هفته برای شرکت در چالش تیک‌تاک، برای اینکه ببینند چه‌کسی می‌تواند طولانی‌ترین مدت را در بیمارستان بستری شود و در آنجا بماند، یک قرص خطرناک مصرف کردند. دونا جونز با نگرانی به والدین هشدار داد که آنها موظفند تا با بچه‌ها در مورد آنچه در تیک‌تاک می‌گذرد، صحبت کنند. این چیزها سرگرم‌کننده نیستند. مردم می‌میرند. انجام این کارها معقول نیست و بچه‌ها نباید به‌دنبال فشـار همسـالان خود چنین اقداماتی انجام دهند. براساس تحقیقات پلیس، این اقدام جنون‌آمیز و خطرناک درست چند روز پس از آنکه عده‌ای نوجوان برای انجام یک سرقت دسته‌جمعی در خیابان آکسفورد در رسانه‌های اجتماعی برنامه‌ریزی کرده بودند، رخ داد. آن روز پلیس کـه در جریان این قرار، قرار گرفته بود، در خیابان آکسفورد مستقر شد و توانست نوجوانانی را که قصد جمع‌شدن داشـتند، متفرق کند. پلیس گزارش داد که افسران مجبور شدند علاوه بر خیابان آکسفورد، به مناطق خرید در ساوتند و بکسلی هیث بروند تا از بروز سرقت توسط نوجوان‌ها جلوگیری کنند. ظاهرا نوجوانانی کـه در این قرار تیک‌تاکی و اجرای چالش سرقت دسـته‌جمعی ناکام مانده بودند، تصمیم گرفته بودند چالش خوردن قرص را انجام دهند.

کوتاه‌تر از گزارش

فرار مرگبار سارق منزل

سارق جوان که در حال سرقت اموال با ارزش از آپارتمانی در غرب پایتخت بود ناگهان با صاحبخانه مواجه شد و تصمیم به فرار گرفت اما تصمیم او به قیمت جانش تمام شد.

به گزارش همشهری، این حادثه چهارشنبه گذشته اتفاق افتاد. وقتی صاحبخانه در منزل نبود سارقی با شگرد تخریب وارد آپارتمان طبقه چهارمی در یک ساختمان مسکونی شد. وی در حال جسـت‌وجو بود تا اموال باارزش خانه را پیدا و سرقت کند اما خبر نداشت که زن و شوهر صاحبخانه در راه بازگشتن به خانه هستند. دقایقی از این ماجرا می‌گذشت که ناگهان زوج صاحبخانه رسیدند و سارق به محض دیدن آنها شوکه شد و حسابی ترسید. وی در آن شرایط تصمیم به فرار گرفت تا گیر نیفتد اما نمی‌توانست از راهی که وارد شده، خارج شود چراکه صاحبخانه مقابل در ایستاده و همسایه‌ها را خبر کرده بودند. در این شرایط دزد جوان وحشت زده به سمت پنجره رفت تا شاید از طریق پنجره بتواند خودش را به بیرون از ساختمان برساند و از مخمصه‌ای که گرفتار شده بود فرار کند. او اما تعادلش را از دسـت داد و سقوط کرد. سـارق جوان در این حادثه جانش را از دست داد و در این شرایط گزارش فرار مرگبار او به قاضی امیر حسین علیمردان بازپرس ویژه قتل مخابره شد. به دستور قاضی جسد سارق جوان به پزشکی قانونی منتقل شد و تحقیقات در این زمینه ادامه دارد.

جنایت به‌خاطر کری‌خوانی

کل کل و کری‌خوانی‌های ۲ پسر جوان پایان خوشی نداشت و با قتل یکی از آنها پایان یافت.

به گزارش همشهری، بامداد چهارشنبه به قاضی امیر حسین علیمردان بازپرس جنایی تهران خبر رسید که پسری جوان در جریان یک درگیری به قتل رسیده است.

به دسـتور بازپرس جنایی تحقیقات در ایـن زمینه آغاز و مشخص شد که مقتول جوانی ۳۴ساله بوده که هدف ضربات متعدد چاقو قرار گرفته اسـت. بررسـی‌ها حکایت از این داشت که مقتول با قاتلش که جوانی ۲۲ساله بود از مدت‌ها قبل دچار اختلاف شـده بودند و با هم درگیری داشـتند. این اختلافات باعث شـده بود که مدام بـا همدیگر دچار کری خوانی و کل کل باشـند. آنها در یـک محل زندگی می‌کردند کـه به‌دنبال این کل کل هـا و کری‌خوانی‌ها هر کدام با بچه‌هـای محل ۲ گروه رقیب تشـکیل داده بودند. درگیری‌های سـریالی آنها ادامه داشـت و حتی مقتول در درگیری قبلی هدف شلیک گلوله یکی از افراد گروه رقیب قرار گرفته اما از آن حادثه جان سـالم به در برده بود. او اما خبر نداشـت در درگیری بعدی جانش را از دست می‌دهد چراکه بعد از بهبودی و ترخیص از بیمارسـتان بار دیگر با قاتل و گروهش قرار گذاشتند که این‌بار وی در درگیری به قتل رسید. به دستور بازپرس جنایی تهران تحقیقات برای بازداشت قاتل فراری آغاز شده است.

تقویم حوادث

دستگیری باند قاچاق فراری‌ها

شبکه بزرگ خارج‌کنندگان فرشهای نفیس، خاویار و افراد فراری از ایران شناسایی و متلاشی شد

در میان اخبار حوادثی که ۳۶سـال پیـش در چنین روزی منتشر شد، یکی از آنها مربوط به دستگیری اعضای باند قاچاق انسان بود. مشتریان این باند سربازان فراری و افراد ضدانقلابی بودند که تحت تعقیب قرار داشتند. این باند با دریافت مبالغ هنگفت، آنها را به ترکیه و از آنجا به کشورهای غربی قاچاق می‌کردند. اما اعضای این باند چگونه دستگیر شدند؟

روزنامه اطلاعات در ۲۸مرداد سال ۱۳۶۶ می‌نویسد: ۲۹نفر از اعضای این شبکه با کوشش واحد اطلاعات شهربانی، دادستانی عمومی تهران و دادستانی انقلاب اسلامی دستگیر شده‌اند و در بررسی‌ها مشخص شده که اعضای این باند علاوه بر قاچاق فراری‌ها به خارج از کشور، اقدام به قاچاق فرش‌های ابریشمی و خاویار هم می‌کردند.

مسئول دایره خبر دفتر دادستانی عمومی تهران در گفت‌وگو با این روزنامـه درباره دسـتگیری اعضای ایـن باند گفت: گزارش‌هایی به دادسرای عمومی تهران رسید که نشان می‌داد باندی اقدام به جعل پاسپورت و خروج غیرقانونی افراد به خارج از کشور می‌کند. مشتریان این باند عمدتا سربازان فراری و افراد ضدانقلاب فراری بودند.

سیروس تیموری ادامه داد: با هماهنگی دادستانی ابتدا ۶ نفر از اعضای این باند شناسایی و دستگیر شدند. با تحقیق از آنها معلوم شد که این باند تاکنون ده‌ها نفر را در تریلی به‌طور بسیار ماهرانه جاسازی کرده و از طریق تبریز و سلماس با همکاری شخصی به‌نام عبدالحمید از مرز خارج کرده‌اند.

تیموری گفت: با هماهنگی‌ای که بین اداره اطلاعات شهربانی و دادستانی انقلاب تهران صورت گرفت، اکیپی از مأموران راهی تبریز، سلماس، ارومیه و خوی شدند و پس از ۲۴ساعت تعقیب و مراقبت ۷ نفر دیگر از اعضای این باند از جمله عبدالحمید را دستگیر کردند.

متهمان اعتراف کردند که با همکاری عواملشـان در ترکیه مدت‌هاست که در امر خارج کردن قالی و قالیچه‌های نفیس و ابریشمی و همچنین خاویار فعالیت دارند.

تیموری افـزود: از مخفیگاه این باند مقادیـر زیادی تریاک، تعدادی مهر، چند جلد گذرنامه و اوراق جعلی با مهر دادسرای انقلاب اسلامی کشـف شد. از سـویی معلوم شد که یکی از دستگیرشـدگان به نام فرج با تهیه گذرنامه‌های افراد دیگر اقدام به تعویض عکس و جعل آنها کـرده که خریداران این گذرنامه‌های جعلی با تلاش مأموران دستگیر شدند و اعتراف کردند که هر یک با پرداخت ۵۰هزار تومان قصد گرفتن ویزا از کشورهای مختلف را داشته‌اند. به گفته تیموری ۲۹نفر از اعضای این باند دستگیر و به مراجع قضایی معرفی شدند.

آتش‌نشانی

سوختن ۴ انبار چوب

آتش‌سـوزی در چند انبار چـوب در چهاردانگه خسـارات سـنگینی به جا گذاشـت. با وجود وسـعت و شدت حریق آتش‌نشانان تهرانی با حضور بموقع توانستند آتش را مهار کنند.

به گزارش همشهری، سـاعت ۶:۴۴ دیروز (جمعه) به مرکز فرماندهی آتش‌نشانی تهران خبر رسید که چند انبار بزرگ چوب در منطقه چهاردانگه طعمه حریق شده است. از دقایقی قبل چندین گروه از آتش‌نشانان اسلامشهر و چهاردانگه خود را به محل حادثه رسانده بودند، اما به دلیل وسعت آتش‌سوزی با درخواست نیروی کمکی، آتش‌نشانان ۱۳ایستگاه از تهران راهی محل حادثه شدند. شدت آتش‌سـوزی به حدی بود که دود ناشی از آن از فاصله دور مشخص بود. زمانی که آتش‌نشانان به آنجا رسیدند با ۴سـوله پر از چوب مواجه شدند که کاملا شعله‌ور بودند و هر لحظه بر وسعت آتش‌سوزی افزوده می‌شد. در این شرایط عملیات آغاز شد.

سـیدجلال ملکی، سـخنگوی آتش‌نشـانی تهران درباره این حادثه گفت: به‌دنبال آتش‌سـوزی در سوله‌های چوب چهاردانگه و درخواست کمک از سوی آتش‌نشانی اسلامشهر همکارانم به همراه تجهیزات ویژه از ۱۳ایسـتگاه راهی محل حادثه شـدند. ۴سـوله که هر یک حدود ۱۵۰۰متر وسعت داشت در آتش می‌سـوخت. او ادامه داد: ۲ سوله کاملا شعله ور شده بود و آتش سـقف و دیواره‌ها را نیز تخریب کرده بود. آتش‌سـوزی در ۲سـوله دیگر نیز در حال گسترش بود که آتش‌نشانان از چند جهت برای مهار آتش تلاش کردند و بعد از ساعتی موفق شدند آتش‌سوزی را مهار کنند. در نهایت با لکه‌گیری آتش به‌طور کامل خاموش شد.